

## تبیین بنیان‌های نظری نظام بین‌الملل معنایی اسلام با نظر به انگاره قدرت نرم

روح‌اله پیربالائی<sup>۱</sup>  
محمد حسین جمشیدی<sup>۲</sup>  
مجتبی عبدخدایی<sup>۳</sup>  
محسن اسلامی<sup>۴</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش واکاوی بنیان‌های نگرشی نظام بین‌الملل معنایی اسلام با نظر به انگاره «قدرت نرم» است. نظام بین‌الملل معنایی اسلام، چیدمانی فراساختاری است که با پذیرش ساختار قدرت، به دنبال بهبود وضع موجود با ایجاد دگرگونی در الگوهای رفتاری کنشگران است؛ بنابراین چنین نظامی ظرفیت تحلیل پدیده‌هایی از جمله قدرت را در گونه‌های سخت و نرم آن دارد. پرسش پژوهش این است: انگاره قدرت نرم چه جایگاهی در نظام معنایی روابط بین‌الملل اسلام دارد؟ فرضیه پژوهش این‌که عناصر قدرت نرم، در بنیان‌های نگرشی، آموزه‌های هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسی اسلام جای دارد؛ بنابراین با به‌کارگیری روش نظام‌سازی شهید صدر و ارائه عناصر نظام معنایی، مشخص می‌شود که مفهوم قدرت نرم در چهار سطح «حقیقت»، «بینش-ارزش»، «آموزه‌های اسلام» و «منابع و مبانی نظام معنایی» جای داشته و به لایه‌های دیگر نیز منتقل شده است. یافته پژوهش تأکید دارد که در نظام بین‌الملل معنایی، نقش‌آفرینی مسلمانان در پویای بین‌المللی، از پابندی آن‌ها به نیروهای معنوی سرچشمه می‌گیرد؛ با این‌که در امروزه مسلمانان قدرت سخت زیادی در اختیار ندارند؛ ولی با اعتقادی که به ارزش‌های اسلامی از قبیل «نفی اجبار در دین، ایثار، شهادت‌طلبی» دارند؛ دارای اهرم قدرت نرم در پویای بین‌المللی می‌باشند. واژگان کلیدی: نظام‌سازی صدر، نظام بین‌الملل معنایی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، قدرت نرم

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

jamshidi@modares.ac.ir

۳. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

## مقدمه

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه‌ی آتلانتیک مطرح نمود. نای اعتقاد دارد که قدرت مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره‌ی آن صحبت می‌کنند، اما عده‌ی کمی آن را درک می‌کنند. او، موفقیت در سیاست‌های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است: قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، است. (Nye, 1990: 92-177) نای، اطلاعات را وجه بارز قرن بیستم می‌داند و از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آنها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد؛ بدین ترتیب، فرهنگ، سیاست‌های پذیرفته داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه‌ی مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند؛ هم‌چنین او اعتقاد دارد، عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان‌شمول و نهادهای بین‌المللی در تحت تأثیر قرار دادن پویای جهانی اهمیت دوچندانی یافته‌اند. (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴) جوزف نای، قدرت نرم را توانایی جذب کردن می‌داند که اغلب در نهایت به رضایت منجر می‌شود. برخلاف قدرت سخت که بیشتر مبتنی بر زور و تهدید و یا پاداش است، در قدرت نرم یک کشور به نتیجه‌ی مورد نظرش از طریق روش‌های غیرمستقیم دست می‌یابد. بر مبنای نظریه‌ی نای، ماهیت قدرت نرم بر مبنای «شکل‌دهی بر ترجیحات دیگران» استوار است و این امر به‌گونه‌ای ناپیدا و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود. البته قدرت نرم متفاوت از نفوذ می‌باشد، نفوذ می‌تواند مبتنی بر قدرت سخت، تهدید و یا پاداش باشد، اما قدرت نرم به توانایی جذب طرف دیگر بر اساس رضایت گفته می‌شود. (همان، ۱۳۸۹: ۶۷) نای جامع‌علوم انسانی

در دیدگاه نای، در قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه: «پاداش، جذب و اقناع» وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی به اهدافش از طریق جاذبیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جاذبیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به‌خصوص زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه

1. Nye, Joseph S. Jr

دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است. (Nye, 2004) او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، «هوش هیجانی» است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم؛ ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید؛ و سوم، مهارت‌های ارتباطی است که شامل مهارت‌های بیانی، هم‌چنین توانایی استفاده از وسایل ارتباطی غیرکلامی می‌باشد. (Nye, 2008: 94-109)

از نظر نای، قدرت نرم دارای سه منبع کلان است: «فرهنگ»، «ارزش‌های سیاسی» و «سیاست داخلی و خارجی» فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از کنش‌های ارزشی، و اعمالی که به یک جامعه معنا می‌بخشد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی را شامل شود، احتمال این‌که نتایج مطلوب با هزینه‌ی اندک تحصیل شود؛ افزایش می‌یابد. (نای، ۱۳۸۷: ۵۲) ارزش‌های ارائه شده در منابع دین اسلام در حوزه فرهنگ و سیاست، عنایت ویژه‌ای به منابع قدرت نرم از جمله در ابعاد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی که به دنبال معنابخشی و ارزش‌دهی به زندگی انسان در عرصه جهانی است، دارند. اسلام با طرح انگاره‌های «نفی اجبار در پذیرش دین» و «حیات طیبه» که می‌توان آن را در دو جنبه «پاک‌زیستی معنوی» و «زیست پاک محیطی» عملیاتی نمود، افق روشن و تصویر جذابی از زیست بشری ارائه نموده و با پیش کشیدن آموزه دعوت همگان به «دارالسلام» و سرای امن جهانی، ارتباط بیانی و کلامی سازنده‌ای را با دیگران برقرار می‌کند.

## ۱. روش و رهیافت نظری پژوهش

برخی از پژوهشگران مسلمان با پذیرش جامعیت آموزه‌های اسلام، سعی کرده‌اند از زاویه دینی و با بینش فرازمینی به پدیده‌ها، کنشگران و ساختارهای بین‌المللی، از جمله قدرت نرم و نقش و جایگاه آن در روابط بین‌الملل نگرینسته و بر پایه آموزه‌های وحیانی، به توصیف و تبیین چنین انگاره‌هایی پردازند. بیشتر پژوهشگران با دورویکرد متفاوت به حوزه مطالعاتی اسلام و روابط بین‌الملل پرداخته‌اند؛ در رویکرد نخست، اسلام را به‌عنوان اُبژه و موضوع‌شناسا در نظر می‌گیرند و با نظریه‌های روابط بین‌الملل به تجزیه و تحلیل نقش فعالیت همبودهای مسلمانان در عرصه بین‌المللی می‌پردازند. در رویکرد دوم، موضوع‌های بین‌المللی را با استفاده از آموزه‌های اسلام مورد بررسی قرار می‌دهند و در این رویکرد، آموزه‌های اسلامی به‌عنوان

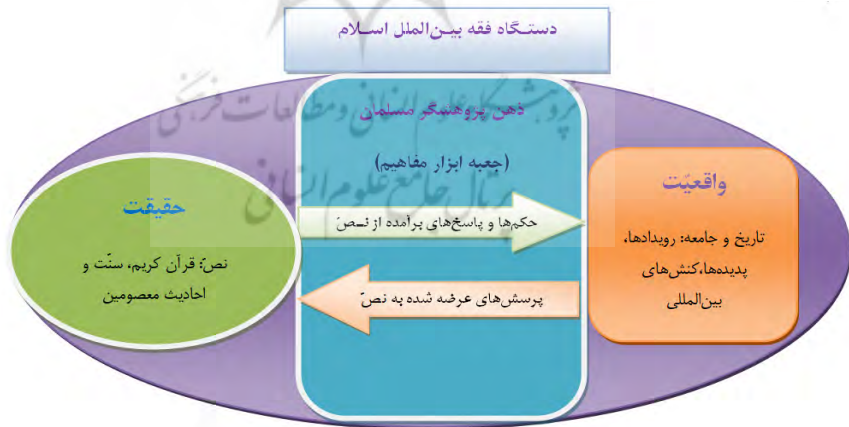
سوژه و فاعل شناسا عمل می‌کند. از نگاه این نوشتار، با بهره‌گیری از رویکرد دوم می‌توان با پایه‌ریزی یک «نظام معنایی» به ارتباط اسلام و پدیده‌های بین‌المللی نگریست؛ به طوری که با کاربست نظام معنایی، ارتباط و نسبت میان مفاهیمی، هم‌چون «قدرت نرم»، و «نظام معنایی» مورد نظر که از پنج مولفه: «مبانی، منابع، اصول، قواعد و اهداف» تشکیل یافته سنجیده شود. این پژوهش به دنبال آن است تا از میان این پنج عنصر؛ بر «مبانی» که نقش اساسی در داربست این نظام داشته و بر جایابی قدرت نرم در این نظام معنایی تمرکز نماید.

بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که: «انگاره قدرت نرم چه جایگاهی در نظام معنایی روابط بین‌الملل اسلام دارد؟» فرضیه این پژوهش «قدرت نرم، در بنیان‌های نگرشی و آموزه‌های هستی‌شناسانه و منظومه معرفت‌شناسی اسلام که به طور عمده بر عناصر نیروی معنوی تکیه دارند، جای دارد.» بدین منظور با پایبندی به روش استنتاج متن و با بهره‌گیری از رویکرد نظام‌سازی شهید محمد باقر صدر، (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۱) بُنمایه‌ی انگاره‌های سیاسی و بین‌المللی را با استنتاج منابع دست اول اسلام استخراج کرد. استنتاج متون دینی در این پژوهش بر پایه‌ی نظریه منطقه‌الافراغ شهید محمد باقر صدر و با بهره‌گیری از الگوی پژوهشی نظام‌سازی وی که از روبنا به زیربنا می‌رسد؛ (علی‌اکبری بابوکانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۰-۸۹) به پژوهشگر کمک می‌کند تا بنیادهای نظری این نظام معنایی را صورت‌بندی نماید. بنیادهای نظری نظام معنایی روابط بین‌الملل اسلامی بر وجوه مشخصی از عناصر قدرت نرم تکیه و تأکید دارد.

در یک دسته‌بندی کلی می‌توانیم پژوهشگران را به سه گروه تقسیم کنیم؛ گروه اول، همانند پست‌مدرن‌ها، نه حقیقت را باور دارند و نه عینیت واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند؛ بلکه جهان اجتماعی را به بازی‌های زبانی و بیناذهنی تقلیل می‌دهند. گروه دوم، واقعیت‌ها را می‌پذیرند، ولی به وجود حقیقتی که برآمده از اراده‌آفریننده‌ای برتر باشد، باوری ندارند. گروه سوم نیز تعداد اندکی هستند که هم حقیقت را باور دارند و هم واقعیت‌ها را می‌پذیرند و آیت‌الله شهید صدر در زمره دانشمندان گروه سوم جای دارد. در اینجا منظور از حقیقت، صرف تعریف فلسفی و یا منطقی آن نیست، فلاسفه حقیقت را وصف ادراک‌ها از لحاظ مطابقت با واقع و نفس‌الامر می‌دانند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۳۶) ولی در این پژوهش، حقیقت برخواسته از هم‌ترازی و انطباق جهان هستی با جهان نصّ می‌باشد که معنای فراگیری نسبت به تعریف فلسفی دارد. به

باور مسلمان‌ها، قرآن و تبیین نبوی نصّ کامل آسمانی است که در اختیار بشر می‌باشد و کاملاً با «وجود و هستی مساوق» است. جهان هستی و جهان نصّ یعنی قرآن، از حیث قواعد و منطق درونی که دارند، با یکدیگر انطباق دارند. (فیرحی، ۱۳۹۱: ۳۵) به طوری که چنین فهمی از جهان هستی، زمینه را برای یک زیست متکی بر قدرت نرم معنا محور و همراه با حقایق ثابت و فروده‌های پایدار فراهم می‌کند.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا «منطق درونی جهان نصّ» با استفاده از روش نظام‌سازی، از لحاظ مفهومی و در قالبی فرانتزیه‌ای سامان داده شود؛ زیرا نصّ دین مطابق عقل «ثابت و پایدار» بوده و فرازمانی و فرامکانی است، با این حال قابلیت به کارگیری در محیط پویا و متغیر را داشته و وظیفه پاسخ‌گویی به پدیده‌های نوپیدایی را دارد که در دو عنصر زمان و مکان تنیده شده‌اند؛ بنابراین برای پاسخ‌گویی به این، نیاز به دستگاه استنتاج (شکل ۱) داریم که بتواند یک «نرم‌افزار پژوهشی» در اختیار پژوهشگر قرار دهد تا جایگاه قدرت نرم را در نظام روابط بین‌الملل معنایی اسلامی را وانمایی کند. دستگاه فقه بین‌الملل اسلام جعبه ابزار مفهومی است که این امکان را فراهم می‌آورد که هر پدیده نوپیدایی مانند قدرت نرم، با استفاده از آن واکاوی شود. در این واکاوی، مفهوم قدرت نرم به عنوان یک پدیده نوپیدا، به دستگاه فقه بین‌الملل اسلام عرضه شده و با استنتاج متون دینی نگاه دین به آن پدیده و یا مفهوم مشخص می‌شود.



شکل شماره ۱: دستگاه استنتاج فقه بین‌الملل اسلام

## ۲. چیستی نظام

فرهنگ و بستر<sup>۱</sup> نظام را مجموعه‌ای از اهداف نامیده که به شکل یکپارچه‌ای دارای اثرگذاری و اثرپذیری متقابل هستند، گروهی از واحدهای متنوع و گوناگون که به نحوی توسط طبیعت و یا هنر، یکپارچگی یافته‌اند که مجموعه کامل و در عمل، هماهنگی را به وجود آورده‌اند و یا رو به هماهنگی دارند و نظام یک کلّ ارگانیک و یا سازمان‌دهی شده است. (سبحانی، ۱۳۷۳: ۴۴) این تعریف، نظام را برابر با مجموعه‌ای از اهداف رابطه‌دار قلمداد کرده است. (Easton, 1965: 282) برای ارائه سازه‌ی مفهومی نظام بین‌الملل معنایی اسلام که بتواند عنصر قدرت نرم را جانمایی کند، به تعریف ویژه‌ای از نظام نیاز است که بتواند منظومه مفهومی را به‌عنوان پردازنده ذهنی و دستگاه دانایی در خود جای دهد؛ نظام در اینجا سازه‌ای است از مفهوم‌های به‌هم پیوسته که در نهایت بعد از برون‌سازی از متون، به صورت پردازشگر در ذهن پژوهشگر عمل کرده و واقعیت‌ها با آن ارزیابی و جانمایی می‌شود.

بر اساس نکات پیشین، نظام در پژوهش حاضر عبارت است از مجموعه‌ای منسجم از عناصر مفهومی که به‌صورت منطقی به‌هم پیوسته‌اند و هر عنصر مفهومی، دارای درون‌مایه واژه‌گانی منحصر به‌فرد می‌باشد که از منابع نظام همانند قرآن و سنت تغذیه می‌گردد و در نهایت؛ هر نظامی، سامان روشمندی را در منظومه فکری پژوهشگر پدید می‌آورد که در هنگام رویارویی با پدیده‌های نوپیدا و مصادیق خارجی، هم از جنبه نگرشی و هم از جنبه کاربردی می‌تواند در ارزیابی ارزش‌گذارانه پدیده پیش‌رو، مورد استفاده قرار بگیرد. بر اساس این تعریف، نظام روابط بین‌الملل اسلام عبارت است از مجموعه «منابع، مبانی، قواعد، اصول و اهداف» که با هم‌دیگر پیکره مفهومی این نظام را تشکیل می‌دهند و سه لایه حقیقت متعالی<sup>۲</sup>، واقعیت ذهنی و واقعیت عینی را پوشش می‌دهند. همه این عناصر، خواه به‌طور مستقیم و یا با واسطه از منابع و متون اسلامی استخراج می‌شوند.

1. Webers Dictionary

۲. فرهود برین

### ۳. لایه‌های سه‌گانه نظام روابط بین‌الملل اسلامی

بنا به نظر نگارنده در این نوشتار، فرق واقعیت و حقیقت در این است که حقیقت<sup>۱</sup>، مقوله و فرمایه‌ای است که خاستگاه آن علم و اراده خداست (Abusulayman, 1986: xlii) و در قالب نصّ مقدّس برای ما انسان‌ها تجلّی یافته است. کانون اصلی بروز حقیقت، در گزاره‌های انشایی است که به صورت پابدها و ناپیده‌هایی از جانب واجب‌الوجود به واسطه وحی الهی به انسان‌ها ابلاغ شده است. «حقیقت»، بایستارها و «واقعیت» هست‌ها هستند؛ (حائری یزدی، ۱۳۸۴: ۷۲-۶۱)، خواه این واقعیت در ذهن باشد و یا در خارج از ذهن به صورت عینی، قابل لمس باشد. با این مقدمه، لایه‌های سه‌گانه نظام بین‌الملل معنایی اسلام بدین نحو ترسیم می‌گردد.

#### ۱-۳. اسلام؛ دین برآمده از حقیقت

حقیقت از اراده تکوینی و تشریعی خداوند متعال نشأت می‌گیرد چراکه خداوند، وجود حقّ و پایداری است و بدیهی است هر امری که از حقّ صادر شود، بدون تردید حقیقت خواهد بود. (ولائی، ۱۳۸۹: ۵۳) دین اسلام محصول اراده تشریعی خداوند متعال، مجموعه آموزه‌ها و فرآینبی است که در طول ۲۳ سال بر قلب پیامبر اسلام به شکل وحی نازل گردیده و در قرآن گردآوری شده و برای همیشه ثابت و پایدار هست. به عبارتی، حقیقت از جنس پابدها و ناپیده‌هایی است که در اراده ۲ تشریعی خداوند، نمود پیدا کرده و این حقایق بسیط و واحد هستند، برخلاف واقعیت که مرکب، متکثر و زمان‌مند است. از سوی دیگر، واقعیت عبارت است از آنچه هست و وجود دارد؛ ولی حقیقت عبارت است از آنچه باید باشد و این باید هم از سوی پروردگار متعال و با اراده و ابلاغ او برای انسان‌ها آشکار شده است.

قرآن با طرح آموزه فطرت‌محور «تبیین‌الرشد و نفی اجبار در پذیرش دین»، استفاده صرف از قدرت سخت در تحمیل عقیده و قبولاندن دین را نفی کرده و با ارائه راهکار جذاب («آزاداندیشی انسان در پذیرش دین»، همگان را مخاطب پیام روشن خود قرار می‌دهد. (بهرام‌پور، ۱۳۹۹: ۴۲) ابزار نرم و قدرت معنایی اسلام در این است که دو برنامه «رشد و بالندگی» و «واپس‌گرایی و

1. Truth

2. God's will

بیراهه‌روی» را پیش‌روی انسان نهاده و با مخاطب قراردادن وجدان و خرد انسانی او را به انتخاب برنامه بالندگی و راه رشد رهنمون می‌شود. توان و ظرفیت دین اسلام در بهره‌گیری از قدرت نرم این است که بینش توحیدی ارزش‌مدار و جهان‌بینی دادگرانه هدفمند را در میان گزینه‌های انتخابی انسان قرار می‌دهد و در این گزینش به کارگیری زور و تهدید را روا نمی‌دارد و در عین حال از نسبت به پیامدهای پیروی از طاغوت و سرکشان هشدار می‌دهد.

### ۲-۳. روابط بین الملل؛ واقعیت عینی

هستی‌شناسی اسلامی بر محور حقیقت و مدار واقعیت استوار است. بدین معنی که جهان واقعی؛ از جمله پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی، همانند قدرت نرم، به طور مستقل از شناخت و معرفت ما در خارج از ذهن وجود دارد. واقعیت‌ها خواه طبیعی باشند و یا اجتماعی، صرفاً تصورات و برداشت‌های ذهنی انسان نیستند، بلکه فارغ از ادراک‌ها و تصورات انسان از آن، حقیقتی است که نفس الامر و یا همان «کالبد پدیده» نامیده می‌شود؛ وجود دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۶۵-۱۶۰) اصل واقعیت (اصالت الواقع) ما را وادار می‌کند که واقع‌نگرانه عمل کنیم و به ما توصیه می‌کند که اقدام‌های خودمان را بر برداشتی واقعی از گستره مفهوم قدرت و با در نظر گرفتن قدرت نرم بنا کنیم. رفتارهایی که اصل واقعیت بر آن‌ها حاکم است و بایستی بین خیال با واقعیت‌های اصیل و امکانات موجود تفاوت قائل شوند. (اسپریگنز، ۱۳۸۷: ۱۵۷) بنابراین از نگاه فلسفه اسلامی واقعیت قدرت نرم، غیرقابل انکار است و رفتار یک مسلمان نیز بایستی مبتنی بر همین واقعیت و با ملاحظه آن باید باشد؛ چراکه اسلام با واقع‌گرایی صرف نظام طبیعی و تکیه محض بر قدرت سخت‌سازی ندارد، بلکه با طرح ایدئولوژی رشدگرا و بالنده، (الأعراف، ۱۴۶) در کنار جهان‌بینی توحیدی تلاش دارد با پیش‌کشیدن بینش فطرت‌محور، مخاطبان را به پذیرش آموزه‌های الهی رهنمون شود.

در دانش روابط بین‌الملل آنچه در اندرکنش‌ها و ارتباطات بین دولت‌ها و ملت‌های جهان رخ می‌دهد، نمونه‌ای از واقعیت عینی است که بر اساس دو گونه از قدرت؛ نرم و سخت رخ می‌دهد. بنابراین روابط بین‌الملل، مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادهای غیردولتی و هم‌چنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها را در بر می‌گیرد. (قوام، ۱۳۸۴: ۱۳) در این تعریف اقدام‌ها و کنش‌های متقابل در میان دولت‌ها از جمله واقعیت‌های عینی برآمده از قدرت



هستند که برای همه افراد می‌تواند معلوم باشد و با حواس خود آن‌ها را درک کنند.

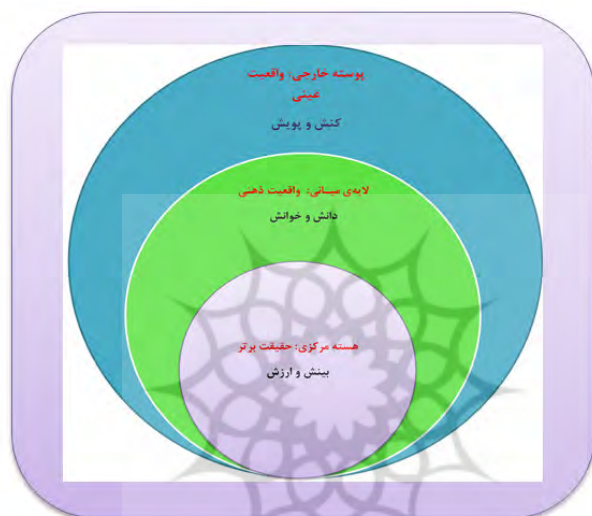
برخلاف آموزه‌های سکولاریسم که بر نقش محدود دین، آن هم در زندگی فردی بشر و قدرت منهای اخلاق معتقد است، اندیشه اسلامی بر همروی «دین و اخلاق» و «سیاست و قدرت» استوار است. این برداشت سبب می‌شود قدرت و سیاست نیز همانند اخلاق و دین، عاری از هرگونه فریبکاری و منفعت‌محوری باشد. در نگاه سکولاریستی اخلاق فاقد اصالت است و فقط از اخلاق حرفه‌ای بحث می‌شود. آنچه در گفتمان عرفی‌گرا اهمیت دارد، تأمین منافع است. (افتخاری و کمالی، ۱۳۹۴: ۱۵) به نظر می‌رسد تأکید بیش از حد مکتب واقع‌گرایی بر قدرت سخت و ابزارهای نظامی موجب گردید تا برای جبران افراط در اهمیت مقوله قدرت سخت، مفهوم قدرت نرم به مجموعه مفاهیم روابط بین‌الملل افزوده شود؛ ولی با توجه به اهمیتی که به قدرت نرم در آموزه‌های اسلام داده شده، عناصر قدرت نرم و نیروهای معنوی از ابتدا وجود داشته است.

### ۳-۳. نظام بین‌الملل؛ واقعیت ذهنی

در صورتی که محل بروز و ظهور واقعیت، ذهن انسان باشد و از جهان خارج انتزاع شده باشد؛ به طوری که ذهن در هنگام مواجه شدن با واقعیت‌های بیرونی و پدیده‌های خارجی، صورت‌بندی خاصی را از آنها انتزاع بکند؛ در این حالت، آنچه در ذهن ما به وجود می‌آید، واقعیتی ذهنی با ماهیت خواهد بود. (الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۶۳: ۱۹-۱۷) بنابراین نظام بین‌الملل، چیزی است که وجود خارجی ملموس ندارد؛ بلکه ذهن ما با عنایت به توزیع قدرت سخت و نرم و ساختار گونه‌های آن، از لابه‌لای روابط بین‌جوامع و دولت‌ها، و فعالیت‌ها و ترتیبات سازمان‌های بین‌المللی؛ این مفهوم را بیرون می‌کشد و نظام بین‌الملل نامیده می‌شود. ذهن ما، مفهوم نظام را از روابط، بده‌بستان ملت‌ها، توان اقتصادی و قدرت سیاسی دولت‌ها انتزاع می‌کند، این انتزاع با کارگزاری انسان و گزینش ذهن صورت می‌گیرد.

هالستی در تعریف نظام بین‌المللی می‌گوید: «هر مجموعه از واحدهای سیاسی مستقل، یعنی قبایل، دولت‌شهرها، دولت‌ها یا امپراطوری‌ها را، که با تداوم قابل ملاحظه و طبق روندهای منظمی کنش متقابل دارند، می‌توان به‌عنوان نظام بین‌المللی تعریف کرد. (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۱) فعل «می‌توان» بیانگر این است که نظام بین‌المللی از تداوم قابل ملاحظه و روندهای منظم کنش متقابل بین واحدهای سیاسی که خودشان واقعیت عینی هستند، انتزاع شده است و کارگزار این انتزاع ذهن انسان است و در خارج چیزی

ملموس‌ی به نام «نظام بین‌الملل» وجود ندارد که برای دیگران تشریح کرد. بر همین اساس در شکل شماره ۲، لایه‌های گوناگون نظام بین‌الملل معنایی اسلام در سه بخش «بینش-ارزش»، «دانش-خوانش» و «کنش-پوییش» (افتخاری، ۱۳۸۶: ۶۷) نمایش داده شده است. در هسته شکل ۲، بینش فطرت‌محور توحیدی قرار دارد که سعی دارد «یکتاپرستی در بینش»، «فرزانگی و حکمت در دانش» و «عدالت‌خواهی در کنش» را، با تکیه بر آموزه «تبیّن الرشد» به ارزش بنیادی جهانی تبدیل نماید.

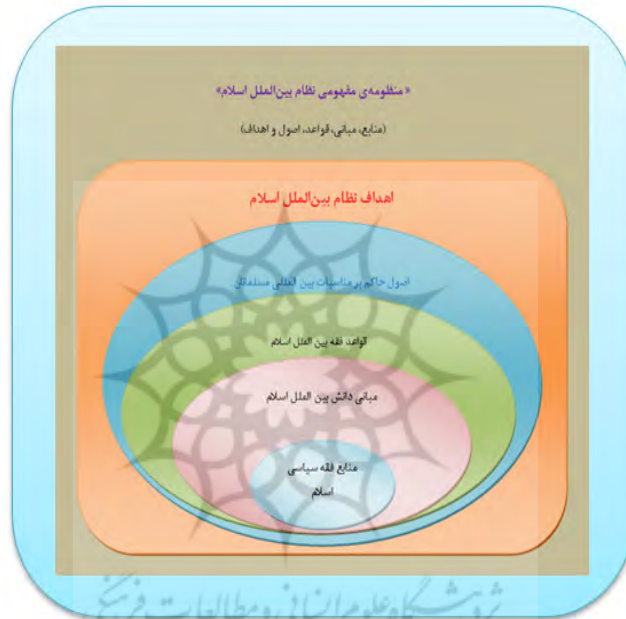


شکل شماره ۲: لایه‌های سه‌گانه نظام بین‌الملل معنایی اسلام

#### ۴. برون‌سازی بنیان‌های نظری نظام بین‌الملل معنایی اسلام

منظور از نظام بین‌الملل معنایی اسلام، منظومه مفهومی است که از دل آموزه‌های اسلام درباره ساحت کلان حیات بشری استخراج گردیده است. نظام روابط بین‌الملل اسلامی، از مجموعه منابع، مبانی، قواعد، اصول و اهداف تشکیل یافته است. (پیربالائی، ۱۳۹۲: ۳۷) مجموع این عناصر مفهومی، نظام فکری و سامان معنایی اسلام را در زمینه مسائل بین‌المللی شکل می‌دهد. «نظام» و «سامان» مورد نظر در این پژوهش، با مفهوم «سیستم» تفاوت اساسی دارد چراکه سیستم همانند ساعت و تلفن، دارای اجزای مشخصی است که به‌صورت ناخودآگاه در کنار هم قرار گرفتند؛ به‌طوری‌که هر سیستمی، دارای ساختار و کارکردی منحصر به‌فرد خود می‌باشد. (فیرحی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴) انسان با ابتکار و خلاقیت خود، «سیستم و سامانه» را اختراع می‌کند ولی «نظام و سامان» با تلاش فکری انسان، کشف می‌شود و از آن پرده‌برداری

می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹ الف: ۱۴۳-۱۱۱) تصویر شماره ۳ بیانگر نمایی از نظام معنایی اسلامی است که در منظومه مفهومی این نظام، مبانی و قواعد که عناصر درخوری از قدرت نرم را با خود دارند، در کانون مرکزی آن قرار گرفته‌اند. باور به اثرگذاری نیروهای معنوی هم‌چون «نصرت الهی، استعانت از صبر، رسیدن به إحدی الحُسَینین و شهادت در راه خدا» از جمله عناصر کاربردی قدرت نرم در میان مسلمانان می‌باشد که از آن برای رسیدن به اهداف بهره گرفته‌اند.



شکل شماره ۳: منظومه مفهومی نظام بین‌الملل معنایی اسلام

نظام معنایی در شکل فوق همانند ساختمانی است که منابع این نظام، نقشه و مصالح عمده آن ساختمان را تأمین می‌کنند. مبانی نیز بنیان‌ها و شالوده آن می‌باشند که زیربنایی هستند؛ (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۴۰) قواعد مانند دیوارهایی می‌باشند که در شکل دهی به حجم و فضای بنا نقش اساسی دارند و اصول نیز به ستون‌هایی می‌مانند که بار سقف و وزن بدنه ساختمان را به دوش می‌کشند و اهداف نظام نیز به مثابه سقفی است که امکان زندگی در آن بنا را فراهم می‌آورند.

## ۵. مبانی نظری نظام بین الملل معنایی اسلامی

نظام معنایی بنیابی مفهومی است که از دو بخش «مبنا یا زیربنا»، و «بنا یا روبنا» تشکیل یافته است. (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۴۰) در سازه‌بندی هندسی نظام بین الملل معنایی اسلام، مبانی در حکم شالوده و بنیاد آن می‌باشند که در ظاهر و نمای بیرونی ساختمان دیده نمی‌شوند؛ ولی استحکام سازه، وابسته به وجود چنین مبانی نظری و انگاره‌های بنیادی قدرت نگر است. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۲۷) منظور از «مبانی»، آموزه‌های معنوی و باورهای غیرقابل تغییر در دین اسلام است که زیرساخت‌های فکری و پایه‌های اعتقادی مسلمانان را تشکیل می‌دهند. این باورها که مورد اتفاق اکثر مسلمانان است از آغاز ظهور اسلام تا ابد، پایدار و تغییرناپذیر هستند. (علی‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۳) در این پژوهش، مبانی براساس کارکرد در چهار بخش معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی دسته‌بندی گردیده است.

### ۱-۵. مبانی معرفت‌شناختی

معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی<sup>۱</sup> در پی پاسخ به این سوال اساسی است که آیا امکان شناخت برای انسان وجود دارد؟ و در صورت امکان، چگونه، از کجا و با چه ابزاری این شناخت و دانایی، به عنوان یکی از مصادیق قدرت نرم، به دست می‌آید؟ در یک رویکرد معرفت‌شناسانه، قدرت نرم را می‌توان در قالب توانایی نفوذ به اذهان و قلوب مردم به واسطه گیرایی کلام و استدلال منطقی تعریف کرد. در این رویکرد به قدرت، مسئله مشروعیت و مقبولیت، جای عنصر اجبار و فشار بر مردم و تحمیل اراده را می‌گیرد و بر قدرت اقناع‌گری تأکید می‌شود. اهمیت این مقوله در اسلام به دلیل غایت سعادت محور آن است. اسلام هدف اصلی خود را سوق دادن انسان و جامعه به سوی سعادت می‌داند، همین امر سبب می‌شود که باورپذیری و همراهی مردم با آن را در پی داشته باشد؛ چراکه سعادت‌خواهی، بیش از هر چیز برآمده از ماهیت پذیرشی و رغبتی ایمان است. (افتخاری و کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰)

۱-۱-۵. امکان‌شناخت: در معرفت‌شناسی اسلامی، بر اساس آیات متعدد قرآن کریم،

امکان شناخت هستی برخلاف ادعای شگاکان (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۸۹) برای انسان وجود

دارد و خداوند با دمیدن روح قدسی خود بر پیکره بی‌جان آدم، قدرت فهم را به او عنایت کرد. از نگاه معرفت‌شناسی اسلامی، ارکان شناخت عبارتند از: معلوم؛ (موضوع‌شناسا) و عالم؛ (فاعل‌شناسا) و علم (دانایی). (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۲۹) بر این اساس واقعیت‌ها و حقیقت، موضوع شناخت می‌باشند که طبیعت، انسان، ذات اقدس الهی و جوامع انسانی را دربرمی‌گیرد و انسان به‌عنوان جانشین خدا در روی زمین تنها موجودی است که اقدام به شناخت هدفمند می‌کند و به آگاهی و دانایی که قدرت نرم به شمار می‌رود، دست می‌یابد.

۱-۲-۵. منابع و ابزار شناخت: یکی از منابع شناخت که مورد قبول بیشتر شناخت‌باوران می‌باشد، طبیعت است. (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۱) طبیعت به عالم جسمانی، جهان زمان و مکان، و دنیای پویا، اطلاق می‌شود؛ همان عالمی که در آن زندگی می‌کنیم و با آن در ارتباط هستیم. دومین منبع شناخت قوه عقل و نیروی خرد می‌باشد که در وجود انسان نهادینه شده و برخلاف طبیعت که منبع بیرونی شناخت و آگاهی است، خرد منبع درونی به حساب می‌آید. (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۴) دانشمندان، عقل و خرد را به گونه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند؛ بارزترین تقسیم‌بندی مربوط به تقسیم عقل، تقسیم آن به عقل نظری و عملی است. (حائری‌یزدی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۵) تعدادی از پژوهشگران عقل را به «عقل معاد و عقل معاش» نیز دسته‌بندی کرده‌اند. عقل معاد که می‌توان آن را خرد رحمانی نامید؛ متمرکز بر شناخت «خیر و شر»، و «حسن و قبح» و یا همان «نیکی و زشتی» است و گستره آن بسیار فراتر از شناخت این جهان و امور دنیوی است و در کنار خرد رحمانی، خرد معاش قرار دارد که از آن به عقل ابزاری نیز یاد می‌شود. خرد ابزاری بر اساس محاسبه هزینه-فایده عمل می‌کند. سومین منبع شناخت، قلب و دل انسان است که می‌تواند الهام و وحی را دریافت کند. مادی‌گرایان قلب و دل را به‌عنوان منبع قبول ندارند؛ چراکه موضوع شناخت این منبع، جهان فراسپهر و عالم غیب می‌باشد. به‌همراه هر منبع شناختی، ابزاری برای شناخت وجود دارد؛ طبیعت منبعی است که با ابزار حواس پنج‌گانه مورد شناخت قرار می‌گیرد و عقل هم منبعی است که با ابزار استدلال و برهان قابل استفاده است. قلب انسان منبعی است که با ابزاری به نام تزکیه نفس و پالایش روان (مطهری، ۱۳۹۱: ۶۶-۵۹) می‌توان از آن در راستای رسیدن به شناخت و قدرت نرم استفاده نمود.

### ۳-۱-۵. گونه‌شناسی شناخت و یا مراتب معرفت

مفسّرین با استناد به آیات قرآن در سوره تکوین و آیه ۹۵ سوره واقعه، معرفت و شناخت را به سه مرتبه (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴۰-۱۳۹) رتبه‌بندی کرده‌اند. این مراتب به این ترتیب می‌باشند:

**الف- علم‌الیقین:** شخصی را در نظر بگیرد که در یک مکانی است و از دور دودی را مشاهده می‌کند که در هوا پخش شده است. مشاهده‌گر با دیدن آن دود چنین استنباط می‌کند که حتماً در آنجا آتشی روشن است. ذهن این مشاهده‌گر از دیدن دلیل (دود) به مدلول دود که آتش باشد، رهنمون شده و شناختی در مورد وجود آتش در نقطه مشخصی به دست می‌آورد. این نوع شناخت را علم‌الیقین می‌گویند که پایین‌ترین مرتبه شناخت است که از مشاهده معلول و دلیل به وجود علت پی می‌برند. در این مرحله، خرد با استدلال عقلی، ما را به سوی دانش و یا به عبارتی، به ارائه فرضیه در مورد چرایی پدیده‌ها می‌رساند. (آقایی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۹)

**ب- عین‌الیقین:** در صورتی که شخص مشاهده‌گر، به سمت محل بلند شدن دود پیش رود و آتش را با چشم خود ببیند (مطهری، بی تا: ۳۵۷) و با حس بینایی خود، وجود آتش را دریابد؛ در این حالت او به مرتبه بعدی یقین و باور که عین‌الیقین است، رسیده است. در این حالت فاعل شناسا، علت و پدیدآورنده معلول - دود - را با حواس خود می‌بیند و احتمال خطا کاهش می‌یابد.

**ج- حق‌الیقین:** اگر شخص مشاهده‌گر در مرحله بعدی، آن قدر به آتش نزدیک شود که حرارت و گرمای آن را با وجود خود حس کند و داخل در آتش شود، در این حالت به حق‌الیقین رسیده است و در این مرحله فاعل شناسا با علت هستی بخش یکی می‌شود که در عرفان به آن، «فناء فی الله» می‌گویند و سالک طریقت، حقیقت را با تمام وجود در می‌یابد. منبع این مرتبه از معرفت، قلب انسان است که با ابزار تزکیه نفس و با پالایش روان از آلودگی‌ها و گناهان، حاصل می‌گردد.

### ۳-۲-۵. مبانی روش شناختی

معرفت‌شناسی بیشتر به بعد فلسفی شناخت هستی، و روش‌شناسی نیز به جنبه کاربردی و عملی شناخت می‌پردازد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ج ۸۷) و روش تحقیق شناخت را بررسی می‌کند که عبارتند از:

۱-۲-۵. روش عقلی یا برهان: چنانچه منبع شناخت، خرد و عقل انسان باشد و ابزار

مورد استفاده آن هم استدلال باشد، روش شناخت برهانی خواهد بود. تلاش برای رسیدن

به شناخت و کشف مجهول به سه صورت می‌گیرد که عبارتند از تمثیل، استقراء و قیاس. در استدلال تمثیلی، سیر حرکت فاعل شناسا از یک جزیی مورد مطالعه<sup>۱</sup> به جزیی دیگر می‌باشد و در استدلال استقرایی<sup>۲</sup>، سیر حرکت هم از جزیی به کلی و در استدلال قیاسی نیز کشف مجهول با پیمایش از کلی به جزئی صورت می‌گیرد. (المظفر، ۱۴۲۰: ۲۰۸، ۲۰۵، ۱۵۵)

۲-۲-۵. روش تجربی: در صورتی که منبع شناخت، طبیعت باشد و ابزار آن هم حواس باشد، روش به کار رفته تجربی خواهد بود. بعضی از دانشمندان که تحت تاثیر شدید اندیشه‌های اثبات‌گرایی<sup>۳</sup> قرار گرفتند، پنداشتند که تنها روش علمی معتبر، روش تجربی است؛ با این حال نمی‌توان کارایی روش تجربی را در تولید شناخت و درک ابعاد قدرت نرم نادیده گرفت. برای مثال فیلسوف هر قدر تلاش نماید، نمی‌تواند با استدلال‌های عقلی کشف کند که اجسام از مولکول و اتم تشکیل شدند (مصباح‌زیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۱۲) و یا این که نمک (NaCl) از ترکیب دو عنصر کلر (Cl) و سدیم (Na) به وجود آمده است.<sup>۴</sup> در روابط بین‌الملل هم روش تجربی برای کسب معرفت و جمع‌آوری داده‌ها از طریق حواس در مورد واقعیت‌های ملموس روابط بین‌الملل کارایی دارد، با این حال این روش برای درک واقعیت‌های نامحسوس ذهنی از جمله قدرت نرم کاربرد چندانی ندارد.

۳-۲-۵. روش شهودی: چنانچه منبع شناخت، دل و قلب انسان باشد و ابزار به کار رفته هم تزکیه نفس و پالایش روان باشد، در این حالت روش کسب شناخت شهودی خواهد بود. در این روش سازوکار دستیابی به معرفت، سیر و سلوک نفسانی و تزکیه نفس است؛ (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱) انسان در اثر خودسازی، به یک نیروی معنوی و قدرت ناپیدایی دست می‌یابد؛ به طوری که روان انسان در راستای دریافت الهام و اشراق الهی قرار می‌گیرد و با نوعی مکاشفه به حقایق دست می‌یابد.

در مجموع، روش‌شناسی اسلامی، در برگیرنده گونه‌های مختلف روش شناختی در راستای دستیابی به دانش سودمند و قدرت‌زا است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ج ۹۲) و برای

1. Case Study
2. Inductive Reasoning
3. positivism
4. Na+Cl=NaCl

این منظور، از عقل و برهان، شهود، وحی و اجتهاد مبتنی بر آن، تجربه و سلوک بهره می‌گیرد تا گستره بهره‌مندی انواع قدرت به ویژه قدرت نرم را بیشتر نماید.

### ۳-۵. مبانی هستی‌شناختی

هستی‌شناسی در پاسخ به این سوال طرح می‌شود که جهان هستی از چه عناصر و اجزایی تشکیل یافته است. جریان قدرت چگونه در این جهان پیش می‌رود، کنش و واکنش اجزای تشکیل دهنده این جهان، به چه صورت است و در نهایت جهان هستی به کجا ختم می‌شود (Chernof, 2007:5) دین اسلام در هستی‌شناسی خود، دارای یک جهان‌بینی توحید محور می‌باشد؛ (جمشیدی، ۱۳۸۸:۱۴۹) عناصر و اجزای این جهان‌بینی در مجموعه معارف قرآن و سنت معصومین موجود است.

۳-۵-۱. یگانه خدای توانای آفریننده: در جهان‌بینی اسلامی، خداوند توانا، آفریننده و پروردگار جهانیان می‌باشد که در قرآن کریم از او به «خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (قرشی، ۱۳۸۱: ۲۹۴) و «رَبُّ الْعَالَمِينَ» تعبیر شده است. آفرینش جهان هستی با اراده، قدرت و دانش بی‌انتهای خداوند متعال صورت گرفته و هستی خود را از پروردگار جهانیان دریافت می‌کنند و تدبیر امور عالم و چرخه رویدادهای بین‌المللی نیز به دست خداست. همه اشیاء و جانداران به او نیاز دارند و او به هیچ چیزی و یا کسی نیاز ندارد. همه عالم، نشان خدا و نمایانگر او و در پیش اوست. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۰۴، ۹۸)

۳-۵-۲. هدفمندی آفرینش و جهان آخرت: در جهان‌بینی اسلامی، این جهان دارای نظم فرهوده و پیوسته‌ای است و بیهوده آفریده نشده و خالق جهانیان نیز برای تحقق هدفی که همان رسیدن انسان به زندگی سعادت‌مندانه ابدی است، دست به آفرینش زده است؛ برخلاف برخی مکاتب و نحله‌های بشری که حیات انسان را به این زندگی چند روزه محدود می‌کنند، دین اسلام این دنیا را مقدمه‌ای برای جهان آخرت می‌داند. انسان در این دنیا با رفتار و کردار خود سرنوشت آخری خود را رقم می‌زند. (خندان، ۱۳۸۸:۱۹۲) در روز قیامت انسان در برابر پیشگاه خداوند، بایستی پاسخگوی اعمال خود باشد و سزای کارها و نتیجه تلاش‌هایش را خواهد دید؛ این همان اصلی است که در اصول دین اسلام از آن به‌عنوان «اصل معاد» نام برده می‌شود.



۳-۳-۵. جهان ماده و عالم معنا: بر خلاف مکتب مادی‌گرایی و ماتریالیسم که عالم هستی را مساوی با ماده و برابر با جهان فیزیکی می‌داند؛ در جهان‌بینی اسلامی، متافیزیک و عالم ماوراء ماده، بخشی اساسی واقعیت هستی و برآمده از اراده حق تعالی می‌باشد. بُعد ماوراء الطبیعه و فراسپهری جهان گسترده بوده و بسی فراتر از جهان مادی است. (علم‌الهدی، ۱۳۸۸: ۱۴) در جهان هستی، واقعیت‌ها و حقیقت‌هایی وجود دارند که قابل مشاهده نیستند؛ حتی جهان، دربردارنده موجودات ناپیدا و نیروهای نامشهودی که در زمره مفهوم قدرت نرم قرار دارند. در ادبیات قرآنی از جهان ماده به «عالم شهادت» و از عالم معنا به «عالم غیب» (بقره: ۳) تعبیر می‌شود که فقط در نزد خدا آشکار می‌باشد.

۳-۳-۴. اراده تشریعی و تکوینی خداوند: حرکت نفس به سوی کاری معین پس از تصوّر و تصدیق درستی و یا منفعت آن را اداره می‌گویند. از لحاظ نظری اراده به صورت تشریعی و یا تکوینی ممکن است، تحقق پیدا کند. در اراده تکوینی، فرد به گونه‌ای شخصی و مستقیم تصمیم بر انجام کاری می‌گیرد؛ مثل اراده الهی بر آفریدن جهان هستی و هم‌چون اراده انسان بر خوردن غذا، اما اراده تشریعی عبارت است از تصمیم بر انجام کاری توسط شخص دیگر با اراده او؛ مثل اراده الهی بر انجام عبادات توسط بندگان که با اراده خود آنها صورت می‌پذیرد. (ولایی، ۱۳۸۹: ۵۵) امکان تخلف و عدم تحقق اراده تشریعی وجود دارد ولی اراده تکوینی خداوند به هیچ وجه تخلف‌پذیر نیست. به عنوان مثال، اراده خداوند بر این تعلق گرفته که انسان را دارای اختیار بیافریند و او را به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار دهد. هم‌چنین هستی را بر مدار عدل بنا کرده و حکمتش بر آن تعلق گرفته که مردم با روش دادگرانه زندگی کنند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۰) و در این روند الهی، فرجام پوشش‌های بین‌المللی، به برقراری فرمانروایی شایستگان توانمند، در جهان منتهی خواهد گشت.

#### ۴-۵. مبانی انسان‌شناختی

در منظومه معرفتی اسلام، انسان موجودی است که از دو بُعد جسمانی و روحانی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۶)، سرشته شده و دارای فطرت الهی و غریزه حیوانی است؛ به طوری که هر کدام از آن دو، دارای ابعادی از قدرت نرم بوده و قابلیت‌های آن عبارت است از:

۱-۴-۵. انسان؛ بنده خداوند و جانشین وی: بر اساس اراده تشریعی خداوند، انسان

جانشین خدا در زمین و دارای مقام بندگی و آفریده خداست و بایستی دستورات پروردگار خود

را اطاعت کند تا بتواند رضایت او را به دست آورد؛ اما بر اساس اراده تکوینی خداوند متعال، انسان دارای اختیار و حق انتخاب است که در قرآن کریم به آن تصریح شده است. خداوند متعال می فرماید: «أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ (انسان: ۳) ما راه هدایت را به انسان نمایان کردیم، خواه او سپاسگزار و یا ناسپاس باشد. در این آموزه، هدایت پذیری به انسان اختصاص یافته و اجباری در این پذیرش وجود ندارد و در کنار آن، اسلام راه خوشبختی و بالندگی را از نگون بختی و واپس گرایی و اسازی نموده و گزینش آن را به انسان واگذار کرده است.

وجود عنصر اراده در انسان در تعیین سرنوشت و روند تکاملی نظام روابط بین الملل تعیین کننده است و بر اساس کارگزاری انسان، روابط بین الملل می تواند هم به سوی روابط دوستانه و یا به سوی تنش و دشمنی پیش رود. فرآیندهای دوگانه صلح و جنگ به دست انسان هاست و الگوی تعاملات بشر، ساختاری و از پیش تعیین شده نیست؛ حتی در صورت وجود جبر ساختاری در محیط بین المللی (ستوده، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۰) باز انسان می تواند آن را با تکیه بر اراده و قدرت خود تغییر دهد و یا حداقل خود را از اثرگذاری آن دور نگه دارد.

۲-۴-۵. ماهیت دوگانه انسان؛ فطرت الهی و غریزه حیوانی: در بسیاری از آیات دیگر، انسان مورد تقدیر و تکریم قرار گرفته (اسراء: ۷۰) و خداوند از روح خود در او دمیده است. (حجر: ۲۹) از برآیندسازی آیات گوناگون به این نتیجه می رسیم که انسان دارای دو نیروی ناپیدا و متفاوت «فطرت الهی» و «غریزه حیوانی» هست. فطرت و غریزه دو نیروی هستند که باهم در کشمکش اند و در صورتی که نیروی غریزه بر انسان ها غلبه کند، محیط اجتماعی و بین المللی به سوی چپاول، سلطه طلبی سوق خواهد یافت و چنانچه سرشتار و فطرت الهی در انسان ها شکوفا شود، ساحت کلان اجتماع بشری به سوی روابط مسالمت آمیز و همزیستی سازنده حرکت خواهد کرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۱) در قرآن کریم به ماهیت دوگانه انسان این چنین اشاره شده: «فَالْهَمَّهُمْ فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸) خداوند توان پلیدی و پرهیزگاری را به نفس انسانی الهام کرده و موجودی کمال گراست که بر سر دوراهی؛ دامنشی و ددمنشی (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۷) قرار گرفته است.

با در نظر گرفتن ابعاد دوگانه سرشت انسانی، قدرت نرم بر پایه اقتناع غریزه و رضایت فطری است؛ یعنی ملتی در نظام بین الملل اقتدار دارد که بدون به کارگیری زور و توانایی اقتناع دیگران را داشته باشد. عناصر قدرت نرم مبتنی بر اقتناع، ربطی به قدرت نظامی ندارد؛ بنابراین لزوماً

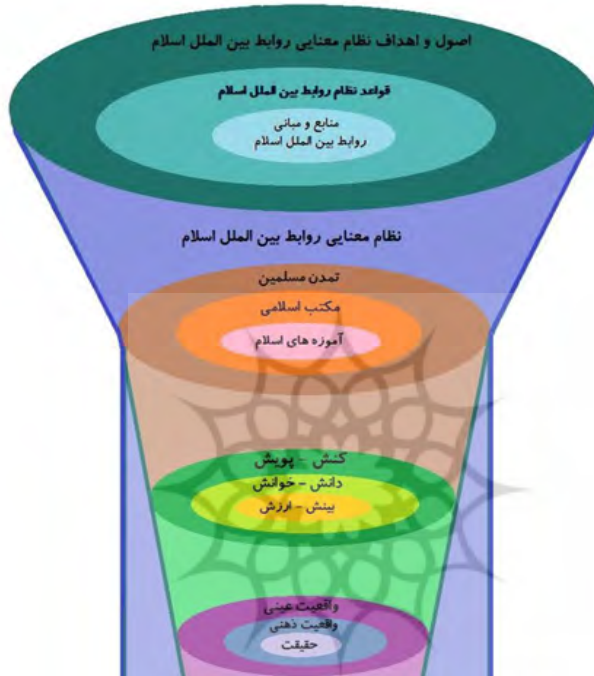
کشوری که از توانایی نظامی بیشتری برخوردار است، از اقتدار اقلان کننده برخوردار نیست، بلکه قدرت نرم بر عناصری هم‌چون توانایی علمی، بُرد فرهنگی و ظرفیت گفتمان‌سازی که بتواند به نیازهای فطری و غریزی انسان پاسخ بدهد، مبتنی است. (جمالی، ۱۳۹۷: ۴۸)

### نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی تصویرسازی انگاره‌های بنیادی نظام بین‌الملل معنایی اسلام بوده تا بتوان بدون وابستگی به هرگونه چارچوب نظری غیردینی، معیارهای کلان مفهوم‌سازی را در بررسی مسائل بین‌المللی و سیاست جهانی مشخص نمود. نتیجه این‌که هر پژوهشگری بخواهد بر اساس معیارهای اسلامی، مفاهیم و پدیده‌های بین‌المللی را بررسی کند، ضروری است که جعبه ابزار مفهومی نظام بین‌الملل معنایی اسلام را داشته باشد، بنابراین آنچه از این پژوهش به‌طور ویژه استنباط می‌گردد این‌که قدرت نرم در چهار سطح، «حقیقت»، «بیش‌ارزش»، «آموزه‌های اسلام» و «منابع و مبانی نظام معنایی» جایگاه اثرگذاری داشته؛ به‌طوری‌که حضور مؤثر عناصر قدرت نرم و نیروهای معنوی در کانون هسته‌ای مکتب اسلامی و تمدن مسلمان را جای گرفته و مسلمانان توانستند در همان دهه‌های نخستین پیدایش تمدن مسلمان با تکیه بر اتحاد ایمانی و روحیه ایثار و از خودگذشتگی، با سپاهی ۳۰ هزار نفره، لشکر ۱۲۰ هزار نفری سلسله ساسانی را در قادسیه کنار زده و پیام مهر و برادری را به سرزمین ایران برسانند و در سایه همین نیروی معنوی و قدرت همبستگی با سپاهی اندک، در مقابل سپاه ۴۰۰ نفری هرقل مقاومت کرده و آن را شکست دادند. در عصر کنونی مقاومت و پیروزی حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی و بیرون راندن نیروهای آن رژیم از جنوب لبنان و پیروزی مردم ایران در برابر فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ از جمله موارد ارزنده‌ای هستند که می‌تواند نقش آفرینی قدرت نرم و نیروی معنوی مشاهده کرد. با این نمونه‌های تاریخی روشن می‌گردد که قدرت نرم محور در چارچوب نظام معنایی اسلام قابلیت پردازش دارد؛ چراکه دانشمندان مسلمان در پردازش هر نظام معنایی، علاوه بر تکیه بر منابع اسلامی معتبر، به انگاره‌های بنیادی اسلامی توجه همه‌جانبه داشتند.

نظام بین‌الملل معنایی جامع متشکل از «منابع، مبانی، اهداف، اصول، و قواعد» است که می‌تواند افق نظریه‌پردازی را برای پژوهشگران روش‌نموده تا بتوانند با بهره‌گیری از آن بیشتر

مفاهیم نوپیدا مانند قدرت نرم و پدیده‌های روزمره را توصیف و تبیین نماید. شکل شماره ۴، آورده و دستاورد نمایی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد که نیروهای معنوی و قدرت نرم در هسته آن در سطوح چهارگانه نقشی برجسته داشته و به طبع آن به دو لایه فوقانی همه سطوح نیز سرریز شده است.



شکل شماره ۴: نرم ابراز پژوهشی؛ هندسه مفهومی نظام بین الملل معنایی اسلام

یافته پژوهش بر این نکته تأکید دارد که دانشوران مسلمان برای بررسی مسائل بین المللی و پویای جهانی از نگاه اسلام، نیازمند درک جهان بینی و چیدمان ارزشی اسلام هستند تا بتوانند از زاویه دینی به تجزیه و تحلیل فرایندهای جهانی و روندهای بین المللی بپردازند. آورده نوین پژوهش این است که «بینش و ارزش های الهی، هسته اصلی و پیرامون انگیزشی کنش ها و پویای مسلمانان بوده و باورهای فرهنگی و ارزش های سیاسی که منابع قدرت نرم بوده، عامل اساسی شکل دهنده به پویای جهانی و کنش های بین المللی می باشند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). «شناخت دینی: بهره‌های روش‌شناسانه قرآن کریم در حوزه علم»، در: علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران؛ روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۹۰ الف). «درک روابط بین‌الملل: رویکردی قرآنی» در: محمود واعظی؛ دین و روابط بین‌الملل، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۹۰ ب). مصلحت (مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۶. افتخاری، اصغر و کمالی، علی (۱۳۹۴). «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان، صص ۹-۲۷.
۷. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). تفسیر سوره حمد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. آقایی، حسین و دیگران (۱۳۷۴). شیمی (۱) سال اول نظام جدید متوسطه، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۱۱. بهرام‌پور، ابوالفضل (۱۳۹۹). تفسیر مبین؛ تفسیر یک‌جلدی قرآن کریم، چاپ هفتم، قم: آوای قرآن.
۱۲. پیربالائی، روح‌الله (۱۳۹۲). جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در نظام روابط بین‌الملل اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دیپلماسی. دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
۱۳. جعفری پناه، مهدی و پوراحمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد

- مؤلفه های آن در ج. ا. ایران»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره هشتم، بهار و تابستان، صص ۹۷-۱۱۲.
۱۴. جمالی، علی (۱۳۹۷). «تاثیر عوامل قدرت نرم انقلاب اسلامی در پیشگیری از تهاجم نظامی نظام سلطه به جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۶، شماره ۱۰۳، تابستان، صص ۴۳-۸۷.
۱۵. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵). رخ اندیشه، دفتر اول روش شناسی شناخت اندیشه های سیاسی، تهران: کلبه معرفت.
۱۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). تفسیر موضوعی قرآن کریم (جلد ۱۳)، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ الف). روابط بین الملل در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء.
۲۰. حائری یزدی، مهدی (۱۳۸۴). کاوش های عقل عملی، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۱. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۵). مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. خندان، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۸). درآمدی بر علوم انسانی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۳. خوش فر، محسن و همکاران (۱۳۹۸). «ماهیت قدرت نرم مطلوب از منظر قرآن»، فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۲۶۸-۲۹۳.
۲۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹ ب). «اسلام و نظریه های روابط بین الملل: رویکردی فرانظری» در: حسین پوراحمدی، اسلام و روابط بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۵. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹ الف). «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل»، پژوهش نامه علوم سیاسی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۱۱.
۲۶. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹ ج). «مبانی فرانظری نظریه روابط بین الملل»،

- فصل‌نامه بین‌المللی روابط خارجی، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۰۰-۶۵.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۳۸۴). *محاضرات فی الالهيات*. الطبعة الثامن، قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).
۲۸. سبحانی، حسن (۱۳۷۳). *نظام اقتصادی اسلام*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۹. ستوده، محمد (۱۳۹۰). «اسلام و ماهیت روابط بین‌الملل»، در: محمود واعظی، *دین و روابط بین‌الملل*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مصلحت نظام.
۳۰. سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل اسلامی*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۳۱. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۵). *اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)*، تهران: میزان.
۳۲. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). *قواعد فقه سیاسی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۳. شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷). *فقه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۱). *بداية الحکمة*، قم: پاساژ قدس، انتشارات سعید نوین.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۹). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد اول، تهران: صدرا.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین و مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد ۱-۵، تهران: صدرا.
۳۷. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۳). *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
۳۸. عسگری، محمود (۱۳۸۹). «رویکردی انتقادی به نظریه‌ی قدرت نرم»، *فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار.
۳۹. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۸). *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴۰. علی‌اکبری بابوکانی، احسان و همکاران (۱۳۹۵). «بازپژوهی امکان و حجیت نظام‌سازی با تأکید بر نگره شهید صدر»، *فصل‌نامه فقه و اصول*، سال ۴۸، شماره پیاپی ۱۰۷، صص ۸۷-۱۰۶.
۴۱. علی‌خانسی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). «مبانی و اصول روابط بین‌الملل در اسلام»، *فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، سال ۱، شماره ۱، صص ۳۲-۷.

۴۲. فیرحی، داود (۱۳۸۶). تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: انتشارات دانشگاه علوم انسانی مفید.
۴۳. فیرحی، داود (۱۳۹۱). فقه و سیاست در ایران معاصر؛ فقه سیاسی و فقه مشروطه، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۴۴. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۸۱). قاموس قرآن، (۶-۱)، چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۴). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
۴۶. گل زاده غفوری، علی (۱۳۵۹). نظامات اجتماعی اسلام، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد.
۴۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). آموزش فلسفه، ج ۱، چاپ دوازدهم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). مسئله شناخت، چاپ ۲۸، تهران: انتشارات صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی (بی تا). بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
۵۰. المظفر، محمدرضا (۱۳۷۹). اصول الفقه، الطبعة الثانية، قم: منشورات الفیروزآبادی.
۵۱. المظفر، محمدرضا (۱۴۲۰). المنطق، قم: دارالتفسیر (اسماعیلیان).
۵۲. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴). سیری در نظریه های انقلاب، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
۵۳. ولایی، عیسی (۱۳۸۹). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
۵۴. الهی قمشه‌ای، محیی الدین مهدی (۱۳۶۳). حکمت الهی، تهران: اسلامی.
55. Abu Sulayman, Abdul Hamid (1986). *Towards an Islamic Theory of International Relations*. Virginia, US: International Institute of Islamic Thought.
56. Easton, David (1965). *A System Analysis of Political Life*. New York: Wiley.
57. Nye, Joseph (2004). *Soft Power. The Means to Success in World Politics*, New York: Carnegie Council of Ethics and International Affair.
58. Nye, Joseph (2008). "Public Diplomacy and Soft Power", *American Academy of Political and Social Science*, Volume: 616 issue: 1.
59. Nye, Joseph S (1990). "The Changing Nature of World Power", *Political Science Quarterly*, 105 (2), 177-92.